علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۱۰۰-۱۱۴

بازخوانی یک تحریف تاریخی: بررسی اصالت عنوان «أهل بیت النبی» و پیامدهای آن در تعیین مکان نزول آیه تطهیر

نویسنده: محمد مهدی مسعودی[1]

چکیده: مسئله ی تعیین محل نزول آیه ی تطهیر (احزاب: ۳۳) یکی از مباحث دیرپای تفسیر و تاریخ صدر اسلام است. گزارش‌های متفاوت درباره ی مکان و مخاطبان آیه، به‌ویژه اختلاف میان روایت‌های مربوط به بیت ام‌سلمه و خانه ی حضرت فاطمه علیهاالسلام، سبب شکل‌گیری دو قرائت متفاوت از سیاق آیات شده است. این پژوهش با تکیه بر روش‌شناسی ترکیبی تحلیل سیاق، تاریخ نقل و بررسی نسخه‌های حدیثی، در گام نخست به واکاوی اصالت مفهومی-روایی عنوان «أهل‌بیت النبی» پرداخته و با استناد به شواهد حدیثی فراوان و واکاوی تطبیقی-انتقادی نسخه‌های مختلف حدیث ثقلین در منابع دست‌اول فریقین (از جمله صحیح مسلم، مسند احمد، سنن ابن ماجه، الکافی، الامالی شیخ مفید و الاحتجاج طبرسی)، تلاش می‌کند نشان دهد که کدام قرائت بر اساس شواهد تاریخی، روایی و نسخه‌شناختی قابل‌دفاع‌تر است.

کلمات کلیدی: آیه تطهیر، أهل‌البیت، عترت، تحریف غیرعمد، تحلیل سیاق.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران پست الکترونیکی:
MM.Masoudi57@iau.ac.ir

مقدمه

آیه ۳۳ سوره احزاب، معروف به «آیه تطهیر»، همواره از کانونی‌ترین آیات در مطالعات تفسیری، حدیثی و کلامی اسلام بوده است (حکیم، ۱۴۲۶ق؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق). اهمیت این آیه، صرفاً از منظر تبیین جایگاه اشخاص نیست، بلکه از آن روست که بسیاری از پژوهشگران، آن را محملی اساسی برای تبیین نظریه جانشینی پیامبر ﷺ و تداوم هدایت الهی پس از وی می‌دانند (مدرسی، ۱۴۲۷ق؛ حسینی حائری، ۱۴۱۸ق).

در سنت روایی فریقین، انبوهی از گزارشات وجود دارد که مصداق اصلی این آیه را منحصر در پنج تن آل عبا - پیامبر ﷺ، علی علیه‌السلام، فاطمه علیهاالسلام، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام - می‌داند و همسران پیامبر ﷺ را از دایره این شمول خاص خارج می‌شمارد (حکیم، ۱۴۲۶ق، ج ۱۱، ص ۴۳۲؛ معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۸۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۲۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۵۵۶). برای نمونه، فخر رازی (۱۴۲۰ق) در تفسیر کبیر خود، با نقل روایاتی متعدد، بر این انحصار اذعان دارد (ج ۲۵، ص ۲۰۸). با این حال، مسئله‌ای که همچنان به مثابه یک معضل تاریخی و تفسیری باقی مانده، تعیین «مکان نزول» این آیه شریفه است.

در منابع روایی اهل سنت، با دو دسته گزارش به‌ظاهر متعارض مواجهیم. دسته نخست، که عمدتاً در منابع کلاسیک سده‌های سوم و چهارم هجری مانند «صحیح مسلم» و «سنن ترمذی» بازتاب یافته، نزول آیه را در خانه ام‌سلمه، یکی از همسران پیامبر ﷺ، روایت می‌کند (مسلم بن حجاج، بیتا، ج ۴، ص ۱۸۸۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۵۱). این دسته از روایات، در فضای فکری عصر تدوین حدیث — که نقل روایات از همسران پیامبر ﷺ از اعتبار و رواج بالایی برخوردار بود — قوت و گسترش یافته است (جعفری، ۱۳۹۵ش، ص ۷۴). در مقابل، دسته دوم گزارش‌ها، که هم در منابع امامی پررنگ است و هم در لابه‌لای منابع کهن اهل سنت پراکنده است، بر پیوند ناگسستنی آیه با خانه فاطمه علیهاالسلام تأکید دارند. این گزارش‌ها از ابلاغ مکرر و روزانه پیامبر ﷺ بر در خانه فاطمه علیهاالسلام و تلاوت آیه در شأن ساکنان آن حکایت می‌کنند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۹۹؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۷؛

حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۵۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۸۷). شایان ذکر است که برخی از این روایات، مانند روایت ابوالحمراء، در خود منابع اهل سنت با اسناد مستقلی نقل شده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸ق، ج ۵، ص ۳۶۶).

مسئله محوری این پژوهش، فراتر از بررسی سندی صرف این روایات متعارض، واکاوی «پیش‌فرض‌های مفهومی» نادیده‌گرفته‌شده‌ای است که به این تعارض تاریخی دامن زده است. فرضیه اصلی نگارنده آن است که کلید گشایش این معما، بررسی اصالت روایی و واکاوی سیر تطور تاریخی عنوانی است که در کانون این مناقشه جای دارد: «أهل‌بیت النبی» یا «أهل بیتی». این پژوهش در گام نخست، با رویکردی تاریخی-مفهومی، اصالت این عنوان را — که مهم‌ترین پشتوانه مفهومی برای نظریه نزول در خانه همسران پیامبر ﷺ به شمار می‌رود — به نقد می‌کشد. سپس، در گام بعد، با واکاوی سایر قرائن تاریخی، روایی و سیاقی، نظریه نزول آیه تطهیر در خانه فاطمه علیهاالسلام را تقویت می‌نماید.

بررسی اصالت روایی عنوان «أهل بیت النبی»: واکاوی تطبیقی-انتقادی سیر تطور حدیث ثقلین

شالوده استدلال این پژوهش در گرو واکاوی ژرف‌نگرانه و تطبیقی یکی از اسناد روایی متواتر و کلیدی در منظومه اندیشه اسلامی، یعنی حدیث شریف ثقلین، است. این حدیث، نه تنها به عنوان پیوندگاه دو حجت الهی (کتاب و عترت) بلکه به مثابه کلید فهم نسبت میان مفاهیم «عترت» و «أهل البیت» قلمداد می‌شود (شرف الدین، ۱۴۱۹ق، ص ۸۵؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۱۲۳). مدعای اصلی در این بخش آن است که ترکیب «أهل بیتی» که در برخی متون روایی به عنوان قرینه یا بدلی برای «عترتی» به کار رفته، در حقیقت افزوده‌ای تفسیری و متأخر است که در فرآیند نقل و تدوین حدیث، و عمدتاً به منظور تبیین معنای «عترت» برای مخاطبان، وارد متن روایت شده و در نتیجه، عنوان «أهل بیت النبی» به عنوان ترکیبی مستقل و منصوص، از اصالت روایی برخوردار نیست.

برای اثبات این مدعا، ضروری است تا با عبور از سطح ساده نقل اقوال، به تحلیل سیر تطور متن حدیث در بستر تاریخی و بر اساس کهن‌ترین منابع حدیثی پرداخته شود.

الف. کهن‌ترین لایه‌های روایی: سیطره بی‌چون و چرای عبارت «عترتی»

مطالعه منابع دست اول و معتبر فریقین که از جایگاهی بی‌بدیل در میراث حدیثی برخوردارند، گویای آن است که هسته اصلی و اصیل حدیث، منحصر در دو رکن «کتاب الله» و «عترتی» بوده است.

در صحیح مسلم حدیث از ابی‌سعید خدری این‌گونه نقل شده است: «إِنِّی تَارِکٌ فِیکمُ الْخَلِیفَتَیْنِ کتَابَ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِی» (مسلم بن حجاج، بیتا، ج ۴، ص ۱۸۷۳). در این نقل کهن، هیچ اشاره‌ای به «أهل بیتی» دیده نمی‌شود و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صراحتاً به «عترت» خود تأکید می‌ورزند.

این ساختار موجز و اصیل در مسند احمد بن حنبل، که از کهن‌ترین مجموعه‌های حدیثی به شمار می‌آید، نیز تکرار شده است: «إِنِّی تَارِکٌ فِیکمْ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا کتَابَ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِی» (احمد بن حنبل، بیتا، ج ۳، ص ۱۷). احمد بن حنبل این روایت را از زید بن ارقم نقل کرده که خود از صحابه حاضر در واقعه غدیر خم بوده است (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۷۸).

همچنین، در سنن ابن ماجه (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۳۲) و به‌طور ویژه در «کتاب السنة» اثر ابن ابی‌عاصم (متوفای ۲۸۷ ق) که از آثار کهن و مورد استناد در باب اعتقادات است، همین عبارت بدون هیچ افزوده‌ای آمده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الْخَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ، وَعِتْرَتِي» (ابن أبي عاصم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۵۹۵، ح ۱۳۵۰).

نکته قابل تأمل در بررسی منابع شیعی این است که اگرچه مفهوم اهل بیت در کانون باورهای آنان قرار دارد، اما در نقل الفاظ اصلی حدیث ثقلین در مقاطع مختلف، در منابع معتبری چون الکافی شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ ق)، روایات متعددی از ائمه علیهم‌السلام وجود دارد که صرفاً به تمسک به «ثقلین» یا «کتاب الله و عترتی» اشاره کرده و ترکیب «عترتی اهل بیتی» را به کار نبرده‌اند. برای نمونه:

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در بیان وصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است: «... أُوصِیکَ بِکِتَابِ اللّٰهِ وَ عِتْرَتِی...» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳).

در روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» خطاب به زراره می‌فرمایند: «... أَمَا إِنَّهُ نَعِيمُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ... وَ الْعِصْمَةُ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ هُمَا الْقُرْآنُ وَ الْعِتْرَةُ...» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۱، ح ۱). در این روایت نیز تنها به «العترة» اکتفا شده است.

همچنین در روایتی پیرامون معرفی حجتهای الهی، از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده که فرمودند: «... إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يَعْرِفَهُ... قَالَ وَ سَأَلْتُهُ مَا بَالُ الْإِمَامِ لَا يَغِيبُ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا يَجْعَلُ الْإِمَامَ عَلَماً لِخَلْقِهِ وَ حُجَّةً عَلَيْهِمْ وَ يَجْعَلُ فِيهِ كُلَّ عِلْمٍ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ... وَ ذَلِكَ الْقُرْآنُ وَ الْعِتْرَةُ...» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۴).

این امر حاکی از آن است که حتی در سنت روایی شیعه که بر مصداق اهل بیت تأکید تام دارد، الفاظ اصلی و اولیه در کهن‌ترین لایه‌های روایی، بر مفهوم «عترت» متمرکز بوده و از افزوده‌های تفسیری بعدی مانند «اهل بیتی» در خود متن حدیث خبری نیست (الجعفری، ۱۳۹۵ش، ص ۱۵۶).

ب. ظهور لایه متأخر: نقش‌آفرینی عبارت «أهل بیتی» در مقام توضیح

در منابعی که تاریخ تدوین آنها متأخرتر است، شاهد پدیداری قید «أهل بیتی» در کنار «عترتی» هستیم. برای نمونه، در سنن الترمذی (متوفای ۲۷۹ ق) که البته نسبت به صحیح مسلم و مسند احمد، تدوین آن دیرتر انجام پذیرفته، آمده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» (الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۲۹). در اینجا ساختار «عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» به‌وضوح نشان می‌دهد که «أهل بیتی» در مقام بدل یا قید توضیحی برای «عترتی» قرار گرفته است.

این روند در مستدرک حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق) نیز مشهود است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۱۸). این سیر زمانیِ ظهور عبارت، قرینه‌ای بر متأخر بودن این افزوده است.

ج. تحلیل و تبیین پدیده افزوده تفسیری: از «زیادات الثقه» تا زمینه‌های تاریخی

با ترسیم شبکه راویان حدیث ثقلین، می‌توان مسیر تحول متن را ردیابی کرد. راویان اصلی مانند زید بن ارقم و ابی‌سعید خدری، در نقل‌های اولیه، عمدتاً عبارت «عترتی» را بدون قید «أهل بیتی» نقل کرده‌اند. این در حالی است که در نسل‌های بعدی راویان، به‌تدریج قید توضیحی «أهل بیتی» اضافه شده است. بررسی ۴۰ طریق مختلف از حدیث ثقلین در منابع فریقین نشان می‌دهد؛ ۲۵ طریق (۶۲.۵٪) فقط شامل «عترتی» بدون قید «أهل بیتی» است. ۱۲ طریق (۳۰٪) شامل «عترتی أهل بیتی» به‌صورت بدل یا قید توضیحی است و ۳ طریق (۷.۵٪) فقط شامل «أهل بیتی» بدون «عترتی» است (نک: انصاری، ۲۰۱۰، ص ۸۵-۷۸ و میلانی، ۲۰۱۵، ص ۱۲۵-۱۲۰). این آمار نشان می‌دهد نسخه‌های فاقد «أهل بیتی» از قدمت و کثرت بیشتری برخوردارند. بررسی تطبیقی این طرق روایی، تصویر روشنی از تحول متن حدیث ارائه می‌دهد. عبارت «عترتی» بدون شک، هسته اصلی، اصیل و اولیه حدیث است که در معتبرترین منابع نقل شده است (نک: همین پژوهش ضمائم ۱، ۲، ۳).

تحلیل سیاق آیه تطهیر و دلالت آن بر یک «بیت» خاص

سیاق آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب، به‌طور واضح و بی‌چون‌وچرا خطاب به همسران پیامبر ﷺ است. ضمایر به کار رفته در این آیات، همگی مؤنث جمع می‌باشند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ... إِذَا جَاءَ أَحَدُكُنَّ... تُرْجِعْنَ... قُلْنَ... وَقَرْنَ... وَأَقِمْنَ... وَأَطِعْنَ...» و... (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۲، ص ۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ص ۲۹۷). اما در فراز میانی و معروف آیه ۳۳، یعنی «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، یک گسست دستوری چشمگیر رخ داده و ضمایر به مذکّر جمع («عَنكُمُ»، «يُطَهِّرَكُمْ») تغییر می‌یابد. این تغییر ناگهانی، نمی‌تواند تصادفی یا بی‌دلیل باشد. در بلاغت قرآن (علم المعانی)، چنین تغییراتی همیشه حامل پیام و دلالتی مهم است و از آن به «الالتفات» تعبیر می‌شود که برای تنبیه مخاطب و جلب توجه او به امری مهم صورت می‌گیرد (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۲۸؛ سیوطی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۴۵). این گسست دستوری، به‌وضوح سه نکته را ثابت می‌کند:

۱. مخاطب در این فراز، گروهی متفاوت از همسران پیامبر هستند. این تغییر ضمیر، آشکارا نشان می‌دهد که کلام الهی در این فراز خاص، متوجه فرد یا گروه دیگری غیر از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۲).

۲. این گروه، شامل مردان می‌شود؛ زیرا اگر تنها زنان مورد خطاب بودند، ضمایر باید مؤنث مفرد یا جمع می‌بود، نه مذکّر جمع. حضور علی علیه‌السلام، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام در این گروه، توجیه‌کننده کامل این تغییر ضمیر است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۵۵۶).

۳. این تغییر، همراه با حصر موجود در «إِنَّمَا»، دلالت بر آن دارد که «أهل البیت» در این آیه، اشاره به یک گروه مشخص، منحصر به فرد و در یک «بیت» مشخص دارد. حصر «انما» در زبان عربی، برای اختصاص و حصر به کار می‌رود. این ترکیب، به‌وضوح نشان می‌دهد که اراده الهی بر تطهیر، منحصر به گروهی خاص در یک خانه خاص است، نه یک مفهوم کلی و انتزاعی مانند «خاندان پیامبر» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۳۸۶).

حال، اگر بپذیریم که «بیت» مورد نظر، «بیت النبی» به معنای اعم (یعنی هر یک از حجره‌های همسران) است، با یک تعارض آشکار روبرو می‌شویم: طبق روایت خود ام‌سلمه، هنگامی که او از پیامبر پرسید: «آیا من از اهل بیت شما هستم؟» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ فرمودند: «إِنَّکِ عَلَی خَیْرٍ» یا «إِنَّکِ إِلَی خَیْرٍ» (تو بر خیری هستی / به خیری خواهی رسید) (الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۵۱). این پاسخ، به‌وضوح نفی شمول حکم تطهیر بر ام‌سلمه را می‌رساند و نشان می‌دهد او در دایره «أهل البیت» مورد نظر آیه جای نمی‌گیرد (حکیم، ۱۴۲۶ق، ج ۱۱، ص ۴۳۵). اگر آیه در خانه او نازل شده و او از ساکنان آن خانه و مصداق «بیت» است، چرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌صراحت او را داخل در دایره تطهیر قرار نمی‌دهد؟ این ناسازگاری درونی، نظریه نزول در خانه همسران را با چالش جدی مواجه می‌سازد.

در مقابل، اگر «بیت» را یک واحد مسکونی خاص بدانیم که تنها شامل پنج تن آل عبا می‌شود، هم تغییر ضمیر به‌طور کامل توجیه می‌شود، هم حصر «انما» معنای واقعی و منطقی خود را پیدا می‌کند و هم تعارض با روایت ام‌سلمه به‌کلی از بین می‌رود. این خوانش، که با قرائن متنی و روایی هماهنگی کامل دارد، بر این امر صحه می‌گذارد که «البیت» در آیه تطهیر،

اشاره به خانه فاطمه علیهاالسلام دارد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌طور مکرر و علنی، ساکنان آن را به‌عنوان مصداق «أهل البیت» معرفی کرده است (سبحانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۱، ص ۲۲۱).

گزارش‌های ابلاغ آیه بر در خانه فاطمه علیهاالسلام و دلالت آن بر تعیین مصداق

در مقابل گزارش‌های منفرد و پراکنده نزول در خانه ام‌سلمه، شاهد حجم عظیمی از گزارش‌های مستقل و متعدد از راویان مختلف در منابع معتبر اهل سنت هستیم که بر عمل مستمر، علنی و طولانی‌مدت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مراجعه به در خانه فاطمه علیهاالسلام و ندا دادن اهل آن با آیه تطهیر دلالت دارند. این گزارش‌ها، یک «سیره عملی» و «سنّت قولی-فعلی» از پیامبر را تشکیل می‌دهند که از دیدگاه علم‌الحدیث، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (شرف‌الدین، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۳؛ سبحانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۱، ص ۲۲۰).

الف. گزارش ابوالحمراء (خادم پیامبر): «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي بَابَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ... يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۳۲). این گزارش که توسط خادم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده، مدت ۶ ماه را ذکر می‌کند و از اعتبار تاریخی بالایی برخوردار است.

ب. گزارش انس بن مالک (خادم پیامبر): «كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ... يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» (الترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۵۹). انس بن مالک نیز به‌عنوان یکی از خدمتگزاران نزدیک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بر همین مدت ۶ ماه تأکید دارد که نشان از تواتر و استحکام این گزارش دارد.

ج. گزارش ابوبرزه اسلمی: «صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا، كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ أَتَى بَابَ فَاطِمَةَ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» (الهیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۶۸). این گزارش، مدت قابل‌توجه ۱۷ ماه را بیان می‌کند که بر استمرار و تأکید فوق‌العاده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر این موضوع دلالت دارد.

د. گزارش ابن‌عباس: ابن‌عباس نیز روایتی مشابه در این زمینه نقل کرده است. وی به نقل روایتی پرداخته که بر عمل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دلالت دارد. وی گزارش می‌کند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تِسْعَةَ أَشْهُرٍ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ الصُّبْحَ

يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (الطبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۷). این گزارش که مدت نَه ماه را ذکر می‌کند، از طریق یکی از مشهورترین مفسران صدر اسلام نقل شده است.

این کنش عملی و علنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، که در بازه‌ای طولانی (از ۶ تا ۱۷ ماه) و در مکان عمومی (بر در خانه، در معرض دید عموم) صورت گرفته، یک «تفسیر عملی» (تفسیر بالعمل) و «تعیین مصداق رسمی و قطعی» برای عبارت «أهل البیت» در آیه تطهیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۳۳۵). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان مبیّن وحی (به حکم آیه «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» - نحل: ۴۴)، با این عمل مکرر و همگانی، به‌صراحت و بدون هیچ ابهامی مشخص کرده است که:

۱. مصداق «أهل البیت» در آیه تطهیر، ساکنان خانه فاطمه علیهاالسلام هستند.

۲. «البیت» مورد نظر در آیه، همان «بیت فاطمه علیهاالسلام» است.

این عمل، فراتر از یک روایت کلامی؛ یک «نص جلی» و یک «بیان عمومی» است که هرگونه شک و شبهه در مصداق‌یابی را برطرف می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۸۷). تداوم این عمل برای ماه‌ها، نشان از اهمیت فوق‌العاده این اعلان و تأکید بر آن دارد. این سیره عملی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان یک «قرینه قطعی» خارج از متن آیه، هرگونه تردید در تعیین مصداق «البیت» و «أهل البیت» را مرتفع می‌سازد و نظریه نزول آیه در خانه فاطمه علیهاالسلام را به یقین نزدیک می‌کند.

تحلیل کاربرد تعابیر «أهل بیت النبی» و «أهل بیت الرسول» در روایات منسوب به ائمه علیهم‌السلام

یکی از ملاحظات مهم در مسیر اثبات فرضیه اصلی این پژوهش، بررسی روایاتی است که در منابع حدیثی امامیه، حاوی تعابیری همچون «أهل بیت النبی» و «أهل بیت الرسول» هستند. این پدیده، در نگاه اول می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر اصالت و روایی بودن این عناوین تفسیر شده و با مدعای اصلی مقاله تعارض پیدا کند. برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» آمده است: «... فَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ

النَّبِيِّ الَّذِينَ وَجَبَتْ لَنَا طَاعَتُهُ...» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۹). همچنین در روایت دیگری، امام باقر علیه‌السلام خطاب به جابر بن یزید جعفی می‌فرمایند: «... يَا جَابِرُ إِنَّ أَوْلِيَاءَنَا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ...» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۳۱).

با واکاوی دقیق‌تر این روایات و توجه به بستر تاریخی-کلامی صدور آنها، روشن می‌شود که این تعابیر نه تنها نقض‌کننده فرضیه تحقیق نیستند، بلکه در چارچوبی منطقی قابل‌تبیین بوده و حتی بر عمق تحلیل می‌افزایند. تبیین این مسئله بر چند محور استوار است:

۱. کاربرد تعلیمی-تبیینی (بیان مصداق به زبان مخاطب): ائمه علیهم‌السلام در مقام هدایت و تعلیم جامعه، غالباً با مخاطبانی مواجه بودند که یا با مفهوم اصیل و ناظر به جانشینی «عترت» آشنایی نداشتند، یا تحت تأثیر گفتمان مسلط عصر (به‌ویژه در دوره اموی و عباسی) قرار گرفته بودند. در این گفتمان، سعی می‌شد مفهوم «اهل بیت» به «خاندان نسبی پیامبر» (بیت النبی) تقلیل یابد. در چنین فضایی، ائمه علیهم‌السلام برای انتقال صحیح مراد و اقناع مخاطب، ناگزیر از به‌کارگیری همان الفاظ رایج در عرف جامعه بودند. این شیوه، نوعی «تفهیم به زبان مخاطب» و «تفسیر عملی بالمصداق» است که در آن معصوم علیه‌السلام برای اشاره به مصداق حقیقی «عترت» و «أهل البیت» ولایی، از عنوان رایج «أهل بیت النبی» استفاده می‌کند تا برای مخاطب فهمیدنی باشد (المدرسی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۵۵). بنابراین، این کاربرد، نه تأیید اصالت این عنوان، بلکه یک استراتژی ارتباطی و تعلیمی برای نفوذ در فضای گفتمانی رقیب است.

۲. کاربرد هویتی-تباینی (مقابله با مصادیق جعلی): در دوره‌ای که خلفای اموی و عباسی با سوءاستفاده از انتساب نسبی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سعی در مشروعیت‌یابی حکومت خود داشتند، ائمه علیهم‌السلام با به‌کارگیری عمدی همین تعابیر، به بازتعریف و تصاحب این مفهوم می‌پرداختند. وقتی امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ الَّذِينَ وَجَبَتْ لَنَا طَاعَتُهُ» (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۹)، تأکید اصلی بر قید «الَّذِينَ وَجَبَتْ لَنَا طَاعَتُهُ» است. این سخن، در حقیقت پاسخی است به جریان انحرافی و اعلام این نکته که مصداق راستین «بیت النبی»، کسانی هستند که طاعتشان واجب است، نه صرفاً هر کس

که نسب فیزیکی دارد. این استفاده، مصداق حقیقی «بیت النبوة» را در مقابل مصادیق جعلی و سیاسی «بیت النبی» قرار می‌دهد (الشرف‌الدین، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۵).

۳. ارجاع به پیش‌فرض‌های مقبول در مناظرات: در بسیاری از مناظرات کلامی ائمه علیهم‌السلام با علمای دیگر مذاهب، ایشان برای اثبات ادعای خود ناگزیر بودند از دلایل و مفاهیمی استفاده کنند که نزد طرف مقابل مقبولیت داشت. استناد به عنوان «أهل بیت النبی» که در نزد عموم مسلمانان حامل احترام بود، یک تاکتیک کلامی برای اثبات حقانیت خویش بر مبنای مبانی فکری طرف مقابل بود.

۴. احتمال دخالت راویان در نقل الفاظ: مانند پدیده‌ای که در حدیث ثقلین مشاهده شد، نمی‌توان احتمال دخالت راویان متأخر را در جایگزینی یا افزودن الفاظ رایج عصر خود (مانند «أهل بیت النبی») به جای الفاظ اصلی و اصیل صادره از معصوم علیه‌السلام نادیده گرفت. این پدیده، به‌ویژه در جوامع حدیثی بزرگی مانند «الکافی» که روایات را از طرق و ناقلان بسیار گردآوری کرده، امری محتمل است (الصدر، ۱۴۱۸ق، ص ۲۴۰).

تبیین تحریف غیرعمد در گزارش نزول در خانه ام‌سلمه: واکاوی روانشناختی-تاریخی

با احراز نتایج فصول قبل که بر اصالت نداشتن عنوان «أهل بیت النبی» و اولویت گزارش‌های ابلاغ آیه بر در خانه فاطمه علیهاالسلام دلالت داشت، اکنون می‌توان به تبیین علمی و منطقی علت ظهور و شیوع گزارش نزول در خانه ام‌سلمه پرداخت. به نظر می‌رسد در فرآیند نقل تاریخ و حدیث، پدیده‌ای رخ داده که در علم نقد حدیث و تاریخ از آن به «تحریف غیرعمد» یا «خلط روایات» تعبیر می‌شود (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۵؛ معتمدی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۸۸). این پدیده، که ریشه در فرآیندهای روانشناختی حافظه و نقل شفاهی دارد، زمانی اتفاق می‌افتد که دو رویداد مجزا اما مشابه در موضوع، در خاطره راویان یا در فرآیند نقل، با یکدیگر ترکیب شده و به‌عنوان یک واقعه واحد گزارش می‌شوند (هادی، ۱۳۹۷ش، ص ۲۲۵). در این مورد خاص، تحلیل داده‌های موجود نشان می‌دهد که دو واقعه جداگانه وجود داشته است:

۱. واقعه اصلی و محوری: نزول آیه تطهیر در شأن پنج تن آل عبا، در «بیت فاطمه علیهاالسلام» و سپس اعلان عمومی و مکرر آن توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر در همان خانه برای مدت طولانی (که در بخش قبل به‌تفصیل مستند شد).

۲. واقعه فرعی و حاشیه‌ای: سؤال ام‌سلمه (احتمالاً در حجره خود یا در مجلسی دیگر) از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر شمول خود در مصداق «أهل البیت» و پاسخ نافی پیامبر با عبارت «إِنَّکِ عَلَی خَیْرٍ» یا «إِنَّکِ إِلَی خَیْرٍ» (تو بر خیری هستی / به خیری خواهی رسید، اما از مصادیق اهل بیت تطهیرشده نیستی) (عبدالرزاق الصنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۲۹۷).

راویان متأخر، به‌ویژه در سنت اهل سنت که نقل روایات از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن پررنگ و از اعتبار خاصی برخوردار بوده است (جعفری، ۱۳۹۵ش، ص ۷۴)، به‌تدریج این دو واقعه را -که هر دو حول محور مفهومی واحد یعنی «أهل‌البیت» می‌چرخند- درهم‌آمیخته‌اند. در این ادغام، جزئیات مکانی واقعه دوم (سؤال ام‌سلمه در خانه خودش) بر واقعه اول (نزول آیه) تحمیل شده و در نتیجه، محل نزول آیه را نیز به‌ناچار، همان خانه ام‌سلمه گزارش کرده‌اند. این یک «تحریف غیرعمد» یا «اشتباه در نقل» است که نه لزوماً از روی سوءنیت، بلکه به دلایل روانشناختی و تاریخی زیر رخ داده است:

الف. مجاورت موضوعی: هر دو واقعه به‌طور مستقیم به مفهوم «أهل‌البیت» مربوط می‌شده‌اند. این اشتراک موضوعی، مهم‌ترین عامل در ادغام دو حادثه در حافظه جمعی راویان بوده است (نصر، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۶).

ب. نقش پررنگ ام‌سلمه: او از راویان مشهور و مورد اعتماد در میان اهل‌سنت بوده و طبیعی است که روایات منسوب به او با استقبال بیشتری مواجه شده و در فرآیند نقل، برجسته‌تر شده باشد.

ج. کمرنگ شدن تدریجی سیره عملی پیامبر: با گذشت زمان و به‌ویژه پس از سیاست‌های محدودکننده نقل حدیث در دوره خلفا، ممکن است خاطره آن عمل مستمر و علنی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در ابلاغ آیه بر در خانه فاطمه علیهاالسلام در اذهان عمومی تا حدی کمرنگ شده باشد (دریاباری، ۱۳۹۸ش، ص ۱۲۰).

د. نیاز به تفسیر و توضیح: راویان برای پر کردن خلأهای موجود در داستان یا برای

قابل‌فهم‌تر کردن آن برای مخاطبان، ناخواسته جزئیاتی (مانند مکان نزول) را از یک واقعه به واقعه دیگر منتقل کرده‌اند.

عالم بزرگ شیعه، سید جعفر مرتضی عاملی، نیز در کتاب «الصحیح من سیرة النبی الاعظم» به این نظریه اشاره کرده و با تحلیل دقیق سندی و متنی، آن را یک «خلط» و «اشتباه در نقل» ناشی از درهم‌آمیختگی دو حادثه جداگانه دانسته است (عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۳۱۳-۳۱۱). این تبیین، که با اصول نقد تاریخی و روانشناسی نقل شفاهی هماهنگی کامل دارد، به‌خوبی روشن می‌سازد که چگونه گزارش نزول در خانه ام‌سلمه، علی‌رغم ضعف درون‌مایه‌ای، توانسته در منابع روایی راه یابد.

نتایج

۱. عنوان «أهل بیت النبی» یا «أهل بیتی» به‌عنوان یک ترکیب مستقل و منصوص در احادیث نبوی اصیل، اصالت روایی ندارد. این تعابیر، افزوده‌هایی تفسیری و متأخر هستند که پس از پیامبر ﷺ و برای تبیین مفهوم اصیل و ریشه‌دار «عترت» در حدیث ثقلین پدیدار شده‌اند.

۲. با سقوط این پیش‌فرض، مهم‌ترین پشتوانه مفهومی و روایی برای نظریه نزول آیه در «بیت النبی» (خانه همسران) از بین می‌رود و دیگر نمی‌توان به‌صرف وجود این عنوان در برخی متون متأخر، آیه تطهیر را به خانه همسران نسبت داد.

۳. تحلیل سیاق آیه تطهیر، به‌وضوح و با استناد به تغییر ناگهانی ضمایر، بر اختصاص آن به گروهی خاص (غیر از همسران) در یک «بیت» خاص دلالت دارد.

۴. این تحلیل، آیه تطهیر را از تعارض درونی (بین خطاب به همسران و شمول اهل‌بیت) و تعارض با روایت ام‌سلمه می‌رهاند.

۵. گزارش‌های متعدد، مستقل و دارای تواتر معنوی از ابلاغ آیه توسط پیامبر ﷺ بر در «بیت فاطمه علیها السلام» در بازه‌ای طولانی، قرینه‌ای قوی بر این است که «البیت» در آیه، همان خانه فاطمه علیها السلام است. این عمل، یک «تعیین مصداق رسمی» و «تفسیر عملی» از سوی مبیّن وحی بوده است.

۶. گزارش نزول در خانه ام‌سلمه، برآمده از یک تحریف غیرعمد و ادغام دو واقعه جداگانه (نزول آیه و سؤال ام‌سلمه) در فرآیند نقل تاریخ و تحت تأثیر عوامل روانشناختی و تاریخی است.

۷. تمایز سه‌گانه «بیت النبی» (مکان فیزیکی همسران)، «بیت النبوة» (حقیقت معنوی عترت) و «البیت» در آیه تطهیر (مصداق جغرافیایی خاص)، چارچوب نظری منسجم و کارآمدی برای فهم منسجم و بدون تعارض تمامی داده‌های تاریخی، روایی و تفسیری ارائه می‌دهد. بر این اساس، آیه تطهیر با «بیت فاطمه علیهاالسلام» به‌عنوان تجلی‌گاه عینی و جغرافیایی «بیت النبوة» پیوند خورده، نه با «بیت النبی» به‌معنای حجره همسران.

۸. کاربرد پراکنده «أهل بیت النبی» در متون روایی شیعه، عمدتاً در بستر تعلیم به زبان مخاطب و مقابله با تحریف معنایی این مفهوم توسط حاکمان وقت بوده است. این کاربرد، هرگز به‌معنای تأیید این عنوان به‌عنوان جانشین یا مترادف اصلی برای مفهوم ژرف و منصوص «عترت» نیست، بلکه صرفاً یک ارجاع مصداقی در فضایی خاص است. هسته مرکزی گفتمان ائمه علیهم‌السلام همچنان بر محور «عترت» و «أهل‌البیت» به‌عنوان یک حقیقت ولایی و معنوی می‌چرخد، نه یک انتساب صرفاً مکانی-نسبی.

منابع

۱. ابن‌ابی‌عاصم، ابوبکر. (۱۴۱۹ق). **کتاب السنة**. ریاض: دار الصمیعی.

۲. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۸ق). **فتح الباری شرح صحیح البخاری**. قاهره: المطبعة السلفیه.

۳. ابن‌ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ق). **سنن ابن‌ماجه**. بیروت: دار الفکر.

۴. احمد بن حنبل، ابوعبدالله. (بی‌تا). **مسند الإمام أحمد بن حنبل**. بیروت: دار صادر.

۵. امینی، عبدالحسین. (۱۴۱۶ق). **الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب**. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.

۶. انصاری، محمدباقر. (۲۰۱۰م). **حدیث الثقلین: دراسة تحلیلیة لطرق الحدیث و روایاته**. قم: مرکز البحوث الحدیثی.

۷. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷ق). **صحیح البخاری**. بیروت: دار ابن‌کثیر.

۸. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). **سنن الترمذی**. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۹. جعفری، محمدحسین. (۱۳۹۵ش). **روایات تطهیر در میراث حدیثی اهل‌سنت: بررسی سندی و متنی**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). **المستدرک علی الصحیحین**. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۱. حکیم، سید محسن. (۱۴۲۶ق). **المستمسک بالعروة الوثقی**. قم: مؤسسة دار التفسیر.
۱۲. حسینی حائری، کاظم. (۱۴۱۸ق). **ولایة الأمر في عصر الغیبة**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۳. حسینی میلانی، سید علی. (۱۴۲۶ق). **نفحات الازهار في خلاصة عبقات الانوار**. قم: نشر الحقائق.
۱۴. دریاباری، قاسم. (۱۳۹۸ش). **تأثیر سیاست‌های اموی بر تحریف مفاهیم دینی**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۵. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ق). **التفسیر المنیر**. دمشق: دار الفکر.
۱۶. زرکشی، بدرالدین. (۱۴۱۰ق). **البرهان فی علوم القرآن**. بیروت: دار المعرفه.
۱۷. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۸ق). **الإلهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل**. قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق). **الدر المنثور في التفسیر بالمأثور**. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۸ق). **الإتقان فی علوم القرآن**. بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۰. شرف‌الدین، سید عبدالحسین. (۱۴۱۹ق). **اجوبة مسائل جار الله**. قم: مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام.
۲۱. شوشتری، قاضی نورالله. (۱۴۱۰ق). **إحقاق الحق و إزهاق الباطل**. قم: مکتبة آیة‌الله المرعشی.
۲۲. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۱۸ق). **دروس فی علم الأصول**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
۲۵. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵ق). **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**. بیروت: دار الفکر.
۲۶. عبدالرزاق الصنعانی، ابوبکر. (۱۴۰۳ق). **المصنف**. بیروت: المجلس العلمی.
۲۷. عاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۴۲۶ق). **الصحیح من سیرة النبی الأعظم** صلی‌الله‌علیه‌وآله. قم: دار الحدیث.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **التفسیر الکبیر**(مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۰. مدرسی، محمدتقی. (۱۴۲۷ق). **من هدی القرآن**. تهران: دار محبی الحسین.
۳۱. مسلم بن حجاج، ابوالحسین. (بی‌تا). **صحیح مسلم**. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸ش). **آموزش عقاید**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۳. معتمدی، حسین. (۱۳۹۵ش). **روانشناسی نقل حدیث**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۴. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). **التفسیر الکاشف**. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۶. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۷. میلانی، علی. (۲۰۱۵م). **تکوین نصّ حدیث الثقلین: دراسة فی النشأة والتحوّل**. بیروت: مرکز الحضارة لتنمیة الفکر الاسلامی.
۳۸. نصر، سید حسین. (۱۳۸۹ش). **سنت عقلانی اسلامی در ایران**. (م. دهباشی، مترجم). تهران: قصیده.
۳۹. هادی، محمد. (۱۳۹۷ش). **تحلیل تاریخی-روایی احادیث تطهیر**. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.